

مابعدالطبیعه (متافیزیک) چیست؟

رضا داوری اردکانی^(۱)

چکیده

یکی نیست. آنها بجای تعریف و وصف مابعدالطبیعه، فلسفه خود را وصف و تعریف کرده‌اند. نوشتار پیش رو درصدد است با تحلیل تطور تاریخی موضوع این علم، چیستی مابعدالطبیعه را تبیین نماید.

کلید واژگان: مابعدالطبیعه، متافیزیک، فلسفه اولی، وجودشناسی، امور عامه، علم ربوبیت.

مقدمه

لفظ «مابعدالطبیعه» ترجمه «متافوسیکای» یونانی است و متافوسیکا نامی است که بر یکی از کتابهای درون حوزه‌ی (ازوتریک) ارسطو نهاده‌اند. این کتاب یکی از مهمترین و اثرگذارترین آثار فلسفی است که چهارده بخش یا فصل دارد و بتعبیری مشتمل بر چهارده کتاب است؛ چون هر فصل یا کتاب با یکی از حروف یونانی مشخص شده است، بعضی فهرست‌نویسان دوره اسلامی از آن بنام «کتاب الحروف» یاد کرده‌اند. از این چهارده کتاب، ارسطوشناسان، کتاب گایا (کاف) را که مطالب آن برگرفته از بعضی فصول کتابهای مابعدالطبیعه و طبیعت ارسطوست، چون سبک نوشته‌اش ارسطویی نیست، منحول دانسته‌اند. سه کتاب دیگر را اولین

کتاب مابعدالطبیعه ارسطو شاید بنیادیتترین اثر فلسفی بشمار میرود. اهمیت این اثر بحدی است که اکنون دو هزار سال است این نام بر فلسفه اولی و الهیات اطلاق میشود. دست‌کم هزار و پانصدسال است که مراد از لفظ متافیزیک یا مابعدالطبیعه علمی شمرده میشود که از مبادی و علت‌های نخستین و موضوع‌های علوم جزئی بحث میکند. مابعدالطبیعه که ابتدا نامش فلسفه اولی و علم کلی بود، دو بخش داشته است؛ یکی بحث از مطلق وجود و اعراض ذاتی آن و دیگری مباحث الهیات. بر همین اساس، فیلسوفان جهان اسلام فلسفه اولی یا علم کلی را الهیات نامیدند و آن را به دو بخش تقسیم کردند؛ امور عامه یا الهیات بمعنی‌الاعم که در آن از وجود و مبادی و علل و اعراض آن بحث میشود و الهیات خاص یا الهیات بمعنی‌الأخص که مسائلیش توحید و صفات و اسماء و افعال باری‌تعالی است. در سنت اسلامی فیلسوفان دست‌کم در مبادی و حتی در بسیاری از مسائل اساسی با هم توافق داشتند اما در فلسفه جدید غرب مسائل مابعدالطبیعه صورت تازه پیدا کرده و حوزه‌های گوناگون فلسفه بوجود آمده است. فیلسوفان دوره جدید از دکارت تا کنون وصف و تعریفی از مابعدالطبیعه پیش آورده‌اند که در ظاهر با بیان ارسطو

(۱). استاد فلسفه دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان علوم؛ (عضو هیئت تحریریه خردنامه‌ی صدر): rdavari@ias.ac.ir